

## همه موفقیت‌های یک سریال



مجموعه تلویزیونی «گمشده» به فراز و نشیب‌های زندگی حرفه‌ای و خصوصی یک امدادگر زن هلال احمر - مریم سلیمیان (میترا حجار) - در واحد جستجوگران بین‌الملل این سازمان می‌پردازد.

جام جم آنلاین: مجموعه تلویزیونی «گمشده» به فراز و نشیب‌های زندگی حرفه‌ای و خصوصی یک امدادگر زن هلال احمر - مریم سلیمیان (میترا حجار) - در واحد جستجوگران بین‌الملل این سازمان می‌پردازد. شغل مریم بهانه مناسبی است برای آن که نویسندگان فیلمنامه بتوانند با اتکا بر ویژگی‌های آن، ماجراها و حوادث مختلفی را رقم زنند. «گمشده» واجد داستان‌های متعددی بوده و هر داستان یک یا دو قسمت از مجموعه را به خود اختصاص داده است.

داستان‌های «گمشده» به گونه‌ای نوشته شده‌اند که با پیشفرض‌های بیننده از خدمات معمول سازمان هلال احمر - امدادرسانی به زلزله‌زدگان، مجروحان و قربانیان جنگ و بازماندگان حوادث طبیعی - همخوان نیست و همین عدم همخوانی است که برای مجموعه جذابیت می‌آفریند و شائبه «سفرشی» بودن را از مجموعه می‌زداید. موضوعات مختلف «گمشده» در فضاها و لوکیشن‌های متنوع به تصویر کشیده شده‌اند. تغییر مکرر مضمون و مکان وقوع رخدادها، غیرقابل پیش‌بینی بودن قصه در بیشتر اپیزودها، رودست‌زدن مکرر فیلمنامه نویسان به تماشاگر، ریتم تند و همچنین سپردن نقش‌های غیرثابت به بازیگران مختلف و چهره‌های آشنا سبب شده تا بیننده بدون خستگی و ملال هر هفته مجموعه را با اشتیاق تعقیب کند.

دکوپاژهای راما قویدل بسیار سینمایی و فراتر از کارهای معمول تلویزیونی است. میزانشن بیشتر سکانس‌های این سریال بالاخص سکانس‌های خارج از کشور بسیار به میزانشن‌های سینمایی نزدیک است. هرچند هر اپیزود از گمشده را نمی‌توان یک فیلم سینمایی محسوب کرد، اما برخی از اپیزودها در حد یک تله‌فیلم استاندارد هستند. تجربه کار در خارج از کشور معمولاً در سینما چندان موفق نبوده است، اما این بار انگار قضیه فرق می‌کند؛ گمشده از معدود سریال‌هایی است که از لوکیشن‌ها و مناظر غیرایرانی بهره‌برداری درست و هدفمندانه کرده و به دام کارت پستال‌یسم، جلوه فروشی و ویتترین چینی نیفتاده است. برخی از لوکیشن‌ها نیز بازسازی شده‌اند مثل بازداشتگاه و زندان عراقی‌ها که حاصل کار بسیار خوب و قابل باور از آب درآمده است.

یکی از وظایف مهم رسانه معرفی حرفه‌های مختلف بویژه مشاغل کمتر شناخته شده یا ناشناخته به مخاطب است. در سینما و تلویزیون ایران به علت حساسیت‌های صنفی و ظرفیت پایین انتقادپذیری صاحبان حرفه‌های مختلف معمولاً به شغل شخصیت‌ها بهای چندانی داده نمی‌شود. در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌ها شخصیت‌ها یا فاقد مهارت حرفه‌ای و شغل مشخصی هستند یا آن که اگر شاغل باشند از شغل‌شان استفاده دراماتیک به عمل نمی‌آید.

در سریال گمشده بینندگان با شرح وظایف مریم به‌عنوان امدادگر واحد جستجوگران بین‌الملل هلال احمر آشنا شده و اطلاعات کافی درباره این حرفه نه‌چندان شناخته‌شده به آنها داده می‌شود. با وجود آن که بخش عمده‌ای از هویت مریم به واسطه شغلش شکل گرفته و پرداخت شده است، اما متأسفانه در برخی اپیزودها این شخصیت فراتر از شرح وظایف و اختیارات شغلی‌اش عمل نموده و در قالب کارآگاه، خبرنگار، پلیس، بازپرس، بازرس و... انجام وظیفه می‌کند و دست به اقداماتی می‌زند که از یک زن در جامعه ایرانی زیاد انتظار نمی‌رود. این خلط مبحث سال‌هاست که در سینما و سینمای ایران جاری و ساری است. در فیلم «آدمکش» (رضا کریمی) که هم‌اکنون بر پرده سینماهای تهران و شهرستان‌هاست چند شخصیت با شغل مشخص وجود دارند، اما جالب است که هیچ یک به شغل اصلی خود نمی‌پردازند. مثلاً 2 نفر روانپزشک این فیلم کار و زندگی خود را رها می‌کنند و مثل کارآگاه‌ها در پی یافتن سرنخ‌های یک جنایت برمی‌آیند و جالب آن که همیشه هم از پلیس جلوتر هستند! و پلیس‌ها هم نقش روان‌شناس و روان‌پزشک را بر عهده می‌گیرند!

نویسندگان گمشده با نگاه همه‌جانبه‌شان به زندگی مریم این شخصیت را به عنوان اصلی‌ترین شخصیت مجموعه برای بینندگان بسیار باورپذیر کرده‌اند. سال‌هاست که به فقدان این نگاه و این‌گونه شخصیت‌ها در بسیاری از سریال‌ها خو گرفته‌ایم و گمشده در این میان یک استثنا است. شخصیت‌ها بیشتر در محیط‌های خانوادگی یا عمدتاً در محل کار دیده می‌شوند و فقط یک بعد از زندگی آنها برجسته می‌گردد. مواجهه ما با مریم در 3 مکان اداره، منزل و فضاهای داخلی و خارجی مربوط به مأموریت‌هایش صورت می‌گیرد. در هر کدام از این محل‌ها بخشی از شخصیت مریم بر ما عیان می‌گردد و به این ترتیب پازل هویت او اپیزود به اپیزود کامل‌تر می‌شود.

نکته: تزریق رگه‌هایی از طنز به بن‌مایه‌های داستانی سبب تلطیف حس و حال خشن و گاه اندوهبار حاکم بر بیشتر قسمت‌های مجموعه شده است

به جز مریم بقیه شخصیت‌های اصلی و ثابت مجموعه شخصیت‌پردازی درست و حساب شده‌ای ندارند، فی‌المثل علی - همسر مریم (علیرضا جلالی‌تبار) - در برخی قسمت‌ها کاملاً به حاشیه رانده و فراموش می‌شود!

همین‌طور رئیس‌مریم - محسنی (بهزاد فراهانی) - و همکارش - سلطانی (زهره مجابی) - که حتی در حد کاراکترهای کاتالیزوری نیز در داستان اصلی منشأ اثر واقع نمی‌شوند و در بسیاری از اپیزودها بود و نبودشان فرقی نمی‌کند؛ به نظر می‌رسد که فقط برای این‌که از زبان آن‌ها برخی اطلاعات اداری به تماشاگر داده شود به پهنه داستان راه یافته‌اند و چقدر عجیب است که فراهانی و مجابی چنین نقش‌هایی - که عمدتاً به بازیگران درجه 3 پیشنهاد می‌شود - را ایفا نموده‌اند!

شخصیت‌های جدید و شناور هر قسمت واجد هویت مشخص‌تر و پخته‌تری نسبت به کاراکترهای ثابت مجموعه - البته به جز مریم - هستند و از جایگاه متقن و منطقی‌تری در فیلمنامه برخوردارند.

تزریق رگه‌هایی از طنز به بن‌مایه‌های داستانی سبب تلطیف حس و حال خشن و گاه اندوهبار حاکم بر بیشتر قسمت‌های مجموعه شده است. حضور دوقلوها در منزل و همسایگی با شکوفه خانم (مرضیه برومند) زمینه خلق ماجراهای مفرح و خنده‌داری را فراهم آورده است. گرچه تلاش نویسندگان برای تلطیف فضای مجموعه و حفظ توازن بین شادی و غم شایسته توجه و تقدیر است، اما این تلاش نتیجه در خوری به بار نیاورده است، زیرا بیشتر سکانس‌های مربوط به دوقلوها یا شکوفه خانم فاقد ارتباط دراماتیک با داستان اصلی هستند و می‌توان این سکانس‌ها را بی‌آن‌که روند داستان اصلی متوقف گردد، کنار گذاشت حتی می‌توان این سکانس‌ها را از یک قسمت بیرون کشید و به اپیزود دیگری وارد کرد!

به دیگر بیان طنز گمشده بیرون از حیطه داستان اصلی پردازش می‌شود و عملاً خارج از مسیر روایی سریال قرار می‌گیرد.

علاوه بر سناریو، موسیقی متن بویژه ملودی تیتراژ نیز در افزایش بار طنز مجموعه بی‌تاثیر نبوده است. در سکانس‌های پرتعلیق موزیک متن بخوبی تصاویر را همراهی می‌کند.

اما قویدل یکی از جوان‌ترین و تازه نفس‌ترین سریال‌سازان سیماست که با مجموعه اولش - شب می‌گذرد - نشان داد که چقدر به کارش علاقه‌مند است و از توان تکنیکی لازم برای ماندن در این عرصه برخوردار است. ساختار بصری سکانس‌های مختلف گمشده گواه حضور کارگردانی مسلط در پشت دوربین است که با تمرکز بر تمام جزئیات کارش سعی کرده تا بهترین تصاویر را پیش چشم بیننده بگذارد.

دکوپاژها و میزانشن‌های سینمایی قویدل در گمشده از شایستگی و توانمندی این کارگردان مسلط برای ورود به حوزه هنر هفتم خبر می‌دهد. بی‌تردید در آینده نه‌چندان دور از راما قویدل بیشتر خواهیم شنید.

شهرام خرازی‌ها / جام‌جم